

درس سوم:

واج آرای:

تکرار سه بار یا بیشتر یک واج
 درد بی دردی ز ما خواهد در آوردن دمار / درد عشقی تا به درد، این درد را درمان کنید
 رشته ی تسبیح اگر بگسست معذورم بدار / دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود
 ظهر عاشورا بود زمان ضربت ذره
 شب سرد ، ره دور ، سر من ، خواب آرزو
 فغان کاین لولیان شوخ شیرین کار شهر آشوب / چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان یغما را

در این درس دربارهٔ بخشی از موسیقی کلام؛ گفت‌وگو خواهیم کرد که موضوع علم بدیع است. بدیع دو نمود لفظی و معنوی دارد. عواملی که موسیقی لفظی را پدید می‌آورند، **بدیع لفظی** می‌خوانیم. بدیع معنوی را در سال‌های آینده بررسی خواهیم کرد.

تکرار واج و واژه در زبان عادی، پسندیده نیست. اما در زبان ادبی تکرار بر جاذبه، کشش و گوش‌نوازی سخن می‌افزاید.

شاعران و نویسندگان متون ادبی یا از تکرار واژه سود می‌برند و یا از تکرار واج یا آوا بهره می‌گیرند؛ گاهی کل عبارت یا جمله را هم تکرار می‌کنند.

واج آرای: تکرار یک واج (صامت یا مصوت) در سخن است؛ به گونه‌ای که بر موسیقی و تأثیر آن بیفزاید.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است

باد خنک از جانب خوارزم وزان است

منوچهری

در این بیت، تکرار کدام واج‌ها بر موسیقی و آهنگ کلام افزوده است؟

مصوت بلند «ا» در بیت، هفت بار تکرار شده است. اگر به موسیقی و آهنگی که از بیت برمی‌خیزد، دقت کنیم درمی‌یابیم که تکرار آگاهانهٔ یک مصوت تا چه اندازه در غنای موسیقی این بیت مؤثر بوده و به گوش‌نوازی آن کمک کرده است. در همین بیت، تکرار صامت‌های «خ» و «ز» در مصراع اول نیز به عنوان یک عامل ایجاد کنندهٔ موسیقی لفظی در خور توجه است.

پیش از اینت بیش از این، اندیشهٔ عشاق بود

مهرورزی تو با ما شهرهٔ آفاق بود

حافظ

در مثال دوم، شاعر صامت «ش» را در پنج واژه آورده است؛ یعنی، «ش» بیش از هر صامت دیگری تکرار شده و همین امر بر موسیقی بیت و زیبایی آن افزوده است. این تکرار را «واج آرای» گفته اند؛ زیرا آرایه ای است که از تکرار یک «واج» حاصل می شود.

خوابِ نوشینِ بامدادِ رحیل باز دارد پیاده را ز سبیل **سعدی**

در نمونه بالا، تمامی کلمات مصراع اول با مصوت کوتاه «ـِ» به هم پیوسته اند. تکرار این مصوت، بر موسیقی بیت افزوده است.

توجه: واج آرای صامت ها از مصوت ها محسوس تر است.

به بیت های زیر توجه کنید. در این نمونه ها، **تکرار** واژه بر تأثیر آهنگین بیت، افزوده است.

پس هستی من ز هستی اوست	تا هستم و هست، دارمش دوست	ایرج میرزا
ای دریغا، ای دریغا، ای دریغ	کانچنان ماهی نهان شد زیر میغ	مولوی
با من بودی، منت نمی دانستم	تا من بودی، منت نمی دانستم	
رفتم چه من ار میان، تو را دانستم	با من بودی، منت نمی دانستم	فیض کاشانی
ماراسری است باتو، که گر خلق روزگار	دشمن شوند و سر برود، هم بر آن سریم	سعدی

توجه: آنچه در تکرار اهمیت دارد، جنبه موسیقایی و آوایی سخن است نه شکل نوشتاری واژگان.

توجه: آنچه در تکرار اهمیت دارد، جنبه موسیقایی و آوایی سخن است نه شکل نوشتاری واژگان.

خودارزیابی

۱ در بیت‌های زیر، نمونه‌های واج‌آرایی را بیابید.

● سرو را بین بر سماع بلبان صبح خیز

همچو سرمستان به بستان، پای کوب و دست زن

خواجوی کرمانی

● گو بهار دل و جان باش و خزان باش، ار نه

ای بسا باغ و بهاران که خزان من و توست

هوشنگ ابتهاج

● سر ارادت ما و آستان حضرت دوست

که هر چه بر سر ما می‌رود، ارادت اوست

حافظ

● ای تکیه‌گاه و پناه / زیباترین لحظه‌های / پر عصمت و پر شکوه تنهایی و خلوت من!

ای شطّ شیرین پر شوکت من!

مهدی اخوان ثالث

۲ در اشعار زیر، آرایه تکرار (واژه‌آرایی) را بیابید.

● عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست

من که یک امروز مهمان توام، فردا چرا؟

شهریار

● دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من، به خدا قسم، خدا را

شهریار

● زمانه قرعۀ نو می زند به نام شما خوشا شما که جهان می رود به کام شما

هوشنگ ابتهاج

● گر تو گرفتارم کنی، من با گرفتاری خوشم

ور خوار چون خارم کنی، ای گل! بدان خواری خوشم

ابوالقاسم حالت

● گَرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل

گل از خارم برآوردی و خار از پای و پای از گل

سعدی

● بی عمر زنده ام من و این بس عجب مدار روز فراق را که نهد در شمار عمر

حافظ

● پای استدلالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی تمکین بود

مولوی

● از ننگ چه پرسى که مرا نام ز ننگ است وز نام چه پرسى که مرا ننگ ز نام است

حافظ

● گر اظهار پشیمانی کند گردون مشو ایمن

که بدعهد از پشیمانی، پشیمان زود می گردد

صائب

● یک عمر پریشانی دل، بسته به موئی است تنها سر موئی ز سر موی تو دورم

قیصر امین پور

● هر کجا دردی است درمانیش هست درد عشق است آنکه درمانیش نیست

سلمان ساوجی

۳ غزلی از دیوان حافظ بیاورد که نمونه مناسبی برای کاربرد واج آرایی و واژه آرایی باشد؛ سپس مشخص کنید، کدام واج ها و واژه ها در ایجاد این آرایه ها، مؤثر هستند.

۱ شعر زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید.

خانه‌ای می‌ساخت سقراط حکیم آمدند از ره، رفیق و آشنا نیست درخورد تو، ای صاحب نظر! این قفس نبود مقام چون تو کس بارگاهی باید و کاخی عظیم همچو پروانه به گرد روی شمع؟ عارفان را خانه الا خاک نیست خانه‌ای درخورد یاران ساختم بام خود تا عرش می‌افراشتم چون صدف، کمیاب و چون دُر، پُربهاست	در کتاب آمد که در عهد قدیم چون به پایان بُرد کار آن سرا جمله گفتند: این بنای مختصر چون توانی زیستن در این قفس؟ بهر مردی چون تو والا و حکیم در شبستان تو چون آییم جمع گفت در پاسخ: که ما را باک نیست حُجره خود گر بدین سان ساختم بیش از این گر یار یکدل داشتم در حقیقت یار یکدل، کمیاست
--	---

نیره سعیدی، (میرفخرایی)

موضوع	شرح و توضیح
نوع لحن	
قلمرو زبانی	
قلمرو ادبی	
قلمرو فکری	
نتیجه گیری و تعیین نوع	

۲ حکایت زیر را بخوانید و برای هر قلمرو، چند ویژگی استخراج کنید.

پارسازاده‌ای را نعمت بیکران به دست افتاد؛ فسق و فجور آغاز کرد. باری، به نصیحتش گفتم: ای فرزند، دخل، آب روان است و عیش، آسیاب گردان؛ یعنی خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد که دخل معین دارد.

چو دخلت نیست، خرج آهسته تر کن که می گویند ملاحان سرودی، اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد، خشک رودی

عقل و ادب، پیش گیر و لهُو و لعب بگذار که چون نعمت سپری شود، سختی بری و پشیمانی خوری.

پسر، این سخن در گوش نیاورد و بر قول من اعتراض کرد و گفت:

برو شادی کن ای یار دل افروز غم فردا، نشاید خورد امروز

دیدم که نصیحت نمی پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی کند؛ روی از مصاحبت بگردانیدم و قول حکما کار بستم که گفته اند: